

معرفی نشانه‌های اژدها در کاشی‌های کاخ گلستان

سلیم سلیمی مؤید

مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

salime-salimi@yahoo.com

شاهپور قجقی نژاد

عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

qshapour@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۵

چکیده

بررسی نمادها یکی از موضوعات کلیدی در علم انسان‌شناسی است. نظریه‌های نمادشناسانه به مفاهیم زبانی، اشیا، ادبیات، تصاویر، و... می‌پردازند. اگر اساطیر را به مثابه بخشی از ادبیات داستانی در نظر بگیریم، اساطیر ایرانی سرشار از مفاهیم نمادین و نشانه‌هایی است که فرهنگ غنی ایرانی را بازگو می‌کنند. اساطیر بیانگر فرهنگ و نحوه تفکر مردمان در ادوار کهن است. نمادشناسی نقش اژدها در کاشیکاری‌های مجموعه کاخ موزه‌های گلستان در میدان ارک تهران، آمیزه‌ای از رنگ، تصاویر، و مفاهیم نمادینی است که در تفسیر تاریخی اسطوره‌های ایرانی نشانه‌هایی از کردار، رفتار، خیر، شر، و یادآور افسانه‌ها و داستان‌هایی است که ریشه در فرهنگ دیرینه ایرانیان دارد. تصاویر تلفیقی و در هم ادغام‌شده نقوش در ادبیات ایرانی، تمام نمادهای اساطیری و ویژگی‌های خیر و شر آن را لحاظ کرده‌اند. آن جمله می‌توان به ارزش‌های نمادین اژدها اشاره کرد که مفاهیمی چون ابر، آب و استبداد، باران، بت‌پرستی، خشکسالی و غیره از آن گرفته شده است. نقوش اژدها در کاشیکاری‌های کاخ گلستان مفاهیم متعددی را به مخاطبان‌شان بازگو می‌کنند. اژدهایی با سه سر و شش چشم در شاهنامه، «اژی دهاک» خوانده شده است. «اژی» از نظر لغوی به معنی خورشید سوزان و «دهاک» یعنی مرد با زهرخند است. نمادهایی که در ادبیات ایرانی در دوره‌های مختلف از اژدها بر می‌آید در نقوش کاشی‌ها به وضوح قابل مشاهده است. این پژوهش می‌کوشد مفاهیم نمادین موجود در کاشی‌های کاخ گلستان را که ریشه در ادبیات غنی ایران دارد بررسی کرده و عناصر فرهنگی هر یک از آن‌ها را بیان کند. در این پژوهش تعبیر نمادین نقوش کاشی‌ها که از ادوار مختلف تاریخی ایران، مفاهیم نمادین اژدها را بیان می‌کنند. در هر دوره از اژدها معانی مختلفی برداشت می‌شده است، اما با وجود تفاوت‌ها مضامین کلی تصاویر اژدها در مجموعه کاخ موزه‌های گلستان پیوند عمیق انسان و اسطوره را بازگو می‌کند. این پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات پرداخته و مفاهیم اساسی نمادین را در کاشی‌های کاخ گلستان بازگو کرده و در پی مشخص کردن مفاهیم متعدد اژدها در ادوار مختلف تاریخی و اهداف مشترک این مفاهیم است.

واژه‌های کلیدی: انسان‌شناسی نمادین، نمادشناسی نقوش اژدها، رمزگشایی اساطیر، نمادشناسی اسطوره‌ای، کاشیکاری.

انسان‌ها ذاتاً به درک معنی تمایل دارند و از همین تمایل، علم نشانه‌شناسی و نمادشناسی شکل گرفته است. نمادها و نشانه‌ها واحدهای معنی‌داری هستند که به شکل تصاویر، اصوات اعمال و حرکات یا اشیا درآمده‌اند. این اشکال هیچ نوع معنی ذاتی یا طبیعی را حمل نمی‌کنند. آنها فقط وقتی تبدیل به علامت یا نشانه می‌شوند که ما معنایی را به آنها منسوب کنیم، یا به آنها معنی دهیم. معمولاً نمادها از معنایی خاص برخوردار اند و برای افراد متفاوت معانی مختلفی دارند. یک فرد عادی و یک متخصص ممکن است درک متفاوتی از نمادها داشته باشند. در تحلیل نمادها معانی نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

در نمادشناسی کاشی‌های کاخ گلستان مفاهیم اساطیری گوناگونی یافت می‌شوند که در بیش‌تر تصاویر ضمن ارائه فرهنگ و هنر ایرانی، پیوند میان انسان و عناصر طبیعت را بازگو می‌کنند. نقش اژدها از ارزش‌های نمادین بسیاری برخوردار است که از اساطیر ایرانی نشأت می‌گیرد. در اسطوره‌های ایرانی اژدها حامل مفاهیم نمادین متعددی است. غارت، قتل، قدرت، گناه، و... از جمله مفاهیمی است که به گونه‌ای در تصاویر و نقوش کاشی‌های کاخ گلستان نقش بسته است. شکل هیولاگونه و افسانه‌ای اژدها با بال‌های بزرگ که همواره از دهانش آتش بیرون می‌زند، جلوه‌گر شر، قتل و غارت در فرهنگ ایرانی است و به داستان‌های کهنی اشاره می‌کند که با بهره‌گیری از مفاهیم اساطیری، ویژگی‌های بد حاکمان را بازگو می‌کند. چرا که در اساطیر کهن ایران اژدهای مخرب پسر اهریمن بوده و در هزاره دوم پیش از میلاد بر انسان‌ها حکومت می‌کرده است. فردوسی در شاهنامه اژدها را «اژی دهاک» خوانده و آن را ماری که دو مار از شانه‌های او بیرون زده معرفی کرده است. در اساطیر ایرانی اژی دهاک به شکل ماری ویرانگر به دوران طلایی حکومت‌ها خاتمه می‌دهد. این

پژوهش مفاهیم نمادین اساطیری اژدها را - که از آن در فرهنگ ایرانی تعابیر مختلفی برداشت می‌شود - در کاشی‌های کاخ گلستان بررسی کرده و به منشأ برخی از این مفاهیم نیز می‌پردازد. همچنین با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی مفاهیم نمادین اساطیری اژدها در فرهنگ‌های کهن نظیر ایران و چین بررسی شده که بیانگر دوگانه بودن باور مردم در نمادشناسی اسطوره‌اژدهاست. چنان‌که در پی ارتباط دو تمدن کهن، باورهای آنها مبادله می‌شود و در دوره ساسانیان باورهای جدیدی درباره اژدها که به تصور دوگانه نیمی شر و نیمی نیک‌پنداری که پیش از آن شر و بدی بوده، شکل گرفته است. گردآوری اطلاعات با به کار بردن فن مشاهده و برداشت تصاویر و مصاحبه و تحلیل نشانه‌های نقوش از تکنیک‌های اصلی این پژوهش بوده است؛ بررسی نقوش و مشخص کردن مفاهیمی نشانه‌ای که باورها مردم در هر دوره نسبت به اژدها را مشخص کرده است و اساطیر کهن برخاسته از آن را بازنموده است.

در نمادشناسی اسطوره باید پذیرفت که اسطوره‌ها معمولاً داستان‌ها و سرگذشتی هستند که دست کم بخشی از آنها از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده‌اند و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارند. شخصیت‌های اسطوره‌ای را موجودات تاریخی و مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس، قهرمانان مثبت آن را فرا گرفته است. بنابراین اسطوره‌ها گاهی بیانگر نمادهای تاریخی هستند. اما آنچه که در روایت‌های اسطوره‌ای مهم است، صحت تاریخی آنها نیست، بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آنها در بردارد (آموزگار، ۱۳۸۹: ۴).

نمادهای اساطیر برای شناسایی تاریخ تمدن، روشن ساختن زوایای تاریک ساخت‌های اجتماعی کهن و پی بردن به تفکر و اعتقادات مردمان باستان مهم بوده و می‌تواند بسیاری از نهادهای ابتدایی تمدنی دوران کهن و

ارتباطات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی اقوام را با هم مشخص سازند. نمادهای اسطوره‌ای نه تنها برای روشن کردن مرحله‌ای از تاریخ اندیشه انسانی بلکه برای فهم و درک بهتر رفتار، آیین و آداب آن جوامع نیز مفید است (ستاری، ۱۳۷۶: ۱۹).

چهارچوب نظری پژوهش

یکی از تفاسیر انسان‌شناسی که از دهه ۶۰ قرن بیستم آغاز شد، نظریه‌های نمادین هستند. در هسته مرکزی این پژوهش‌ها نمادها یا به عبارتی نشانه‌ها قرار دارند. نمادها می‌توانند مفاهیم زبانی یا حتی اشیای مادی باشند.

«ویلیام ترنر» یکی از انسان‌شناسان بریتانیایی است که توانست نظام ساده‌ای از رمزگان نمادین ارائه دهد. او نماد رنگ را در آیین‌های اقوام «ندمبو» در نظامی ساده ارائه کرد. به نظر او این آیین‌ها در پی آن اند که اختلالات در هماهنگی اجتماعی را که ناشی از جراحت هنجار اجتماعی است از میان بردارند. در رنگ‌های نمادین، رنگ در روند آیین معنای متفاوتی ارائه می‌کند و از این طریق اطلاعاتی را ارائه می‌کند (رابرت وای ولو، ۱۳۷۸: ۹۰).

از دیگر انسان‌شناسان این دوره که در پیشبرد این نظریه کوشید «گلیفورد گیرتز» از نظریه‌پردازان جدید انسان‌شناسی است. او بر آن است که انسان‌شناسی باید نخست معنای خاص خود را از طریق تفسیر داده‌ها در بافت موجود به دست آورد و نه اینکه در پی اصول کلی ذهنی باشد. به نظر او آیین‌های دینی در اصل نمایش‌هایی هستند که در جریان آنها به کمک نمادها که دارای واقعیت کیهانی هستند، توافق نیرومند حسی ایجاد می‌شود. شرکت‌کنندگان با انجام این آیین‌ها به جهان‌بینی و ارزش‌گذاری ارائه‌شده اعتبار می‌بخشند و به دنبال آن اخلاق ضروری اجتماعی را تقویت می‌کنند. بنا بر نظر «گلیفورد گیرتز» داده‌های یک فرهنگ مانند متن قابل خواندن هستند و

اجزای سازنده آن تنها از طریق ارتباطات درونی قابل فهم هستند.

«کیسینگ» با تفسیر مبالغه آمیز نمادین مخالفت کرد و با تحقیقی که در مورد دین قوم «کوابو»، نخست نظام فرهنگی آنها را به صورت متن در نظر گرفت و با یاری خردمندان بومی آنها را جزء جزء کرد. او در این پژوهش متوجه شد که بومیان «کوابو» با نمادها، بسیار سطحی برخورد می‌کنند اما برای اجزای آیین‌ها بسنده به نظر می‌آمد.

در اندیشه گیرتز نماد چیزی است که می‌تواند به جای چیز دیگر بنشیند و آن را باز نمود یا بیان کند و یا می‌تواند به عنوان نوعی نمودار و یا راهنمای آنچه که باید انجام گیرد، عمل کند. بنابراین هر موضوع، عمل، پدیده یا ارتباطی که به عنوان ابزاری برای اظهار یکی تلقی، ایفای نقش می‌کند، به واقع یک نماد است. نمادها بیان عینی، منظم و به صورت اجتماعی پذیرفته‌شده عقاید، ایده‌ها، آرزوها، و تجارب انسانی هستند. نمادها در یک فرایند نسبتاً طولانی در قالب نظامی از معانی و رویه‌های فرهنگی تجلی یافته و به مثابه بستری مناسب برای انتقال، تداوم و توسعه دانش‌ها و تجارب بیش‌تر عمل می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

در تحلیل‌های نشانه‌شناسی گلیفورد گیرتز نشانه‌ها و نمادها حاملان معانی هستند و نمادشناسی قادر به مطالعه این فرآیند یعنی انتقال معانی از طریق نمادها و نشانه‌ها در زندگی روزمره ماست. ممکن است نمود نشانه‌ها در زندگی اجتماعی ما به صورت واضح نباشد، اما انسان‌شناسان با استفاده از ابزار نشانه‌شناسی قادر به نمایان کردن معانی این نمادها از طریق مطالعه نشانه‌شناسی هستند. بنا بر این تجزیه و تحلیل نمادها با تکیه بر دانش انسان‌شناسانه یا قوم‌شناسانه انجام می‌شود (نرسیسیانس، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

بر اساس تعاریف موجود از نماد نقوش ازدها در کاشی-

های کاخ گلستان مفاهیم و معانی را بیان می‌کنند (تصویر ۱) در واقع هر یک از این نشانه‌ها برای مفاهیم فرهنگی ایفای نقش می‌کنند. به عنوان مثال نشستن اژدها به جای مفاهیم آب، استبداد، باران، ظلم، غارت، و غیره نقش جایگزینی نماد را دارد. در بناهای مذهبی، نقوش کاشیکاری مفاهیمی مانند معنویت و شئون دینی را بیان می‌کنند، در حالی که در بناهای حکومتی نمادها بیش‌تر اسطوره‌ای و آیینی است و با محوریت عظمت و شکوه پادشاهی.

نمادها در غالب تصاویر ارتباطی بین نمادگر و نمادین شده ایجاد می‌کنند. اگر اژدها گاه نماد قدرت محسوب می‌شود به سبب ویژگی‌های ظاهری‌اش و غلبه بر سایر موجودات در ذهن مخاطبش به عنوان یکی از نشان‌های قدرت تعبیر شده است. ابزارهای نشانه‌شناسی قادر به نمایان کردن معانی نمادها از طریق مطالعه نشانه‌شناسی است. نشانه‌های موجود در نقوش کاشی‌های کاخ گلستان ریشه در اساطیر کهن و باورهای عامه و گاه در باورهای دینی مردم دارند. اژدها به واسطه قدرتش در باور مردم ایران قادر به انجام هر کاری است. در داستان‌های افسانه‌ای باران را از دریا جمع‌آوری کرده و به شکل ابر سیاه در می‌آورد سپس ابرها را به حرکت درآورده و در زمین‌های خشک و بی‌آب فرو می‌ریزد. چینی‌ها در ادیان ابتدایی‌شان اژدها را می‌پرستیدند.

مفاهیم بنیادین نماد

به سبب گستردگی مفاهیم نماد، تعابیر مختلفی از آن برداشت می‌شود. نماد ممکن است واژه، نام یا تصویر باشد. هر یک از مکاتب نماد را بر اساس نظریه‌ها و دیدگاه‌های خود تحلیل می‌کنند. در تحلیل «فرویدی» نمادها پیرامون محوری منطبق بر اصل لذت‌جویی [تعریف] شده اند و به امور متناوب در سطح دهانی، مقعدی و

جنسی این محور، تحت استیلای «لیندوی» ممیزی شده و سرکوفته متمرکز می‌شوند.

نماد زنده که از ناخودآگاه خلاق انسان و محیط او، برمی‌خیزد، کاربردی کاملاً مناسب با زندگی فردی و اجتماعی دارد. هرچند که این کاربرد جنبه‌ای کلی دارد، لذا کوشش شده است برای بهتر نشان دادن پویایی غنی و صورت‌های کثیر آن تشریح شود. لکن نباید جمع‌بندی ترکیبی این وجوه را فراموش کرد تا شخصیت ویژه نمادها که در برداشت هر جز غیر قابل تقلیل بوده به جای اول برگردد. اگر ما مجبور می‌شدیم ترتیبی را در این بیان نظری رعایت کنیم، این نظم به معنای سلسله‌مراتبی واقعی نمی‌بود.

بنابراین اولین کاربرد نماد وظیفه انکشاف آن است، همان‌گونه که روحیه جستجوگر وقتی با ناشناخته روبه‌رو می‌شود، پژوهش می‌کند و کوشش دارد مفهوم حوادث معنوی افراد را که در طول زمان و مکان باب شده توضیح دهد. نماد هم در واقع به شیوه خاص ارتباطی را درک می‌کند که قادر به تشخیص آن نبوده است، زیرا یک انتهای آن شناخته و انتهای دیگر ناشناخته است. نماد، میدان آگاهی را در عرصه‌هایی گسترش می‌دهد که اندازه‌گیری دقیق آن ممکن نیست (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۲۱).

«یونگ» می‌نویسد: آنچه ما نماد می‌خوانیم، یک واژه، یک نام یا یک تصویر است، که حتی وقتی در زندگی روزمره با آن آشنا ایم باز هم مفاهیمی را در بر می‌گیرد که بر معانی قراردادی و واضح آن اضافه می‌شود. معمولاً نماد بر چیزی دلالت می‌کند که برای ما مبهم، ناشناخته یا پنهان است.

نماد در زمره اختصاصاتش با وجود گوناگونی تفاسیر خود تداومی را القا می‌کند که در رابطه میان نمادگر و نمادین شده وجود دارد. «جام واژگون»، نماد آسمان است. اما نه فقط در شباهت ظاهری و تصویری خویش، بلکه

کلمات آنها در مفهومی قیاسی به کار می‌روند (همان: ۲۷).

مفاهیم نمادین در نقوش کاشی‌های کاخ گلستان

کاخ گلستان تنها مجموعه‌ای در تهران است که در آن نقوش اژدهای فراوان دیده می‌شود. این نقوش به لحاظ نوع نقش و چیدمان دیگر عناصر در کنار نقوش متنوع گل و گیاه و بلبل، انسان، شیر و خورشید، شاه و شاهان، آسمان و ابر، بزم و رزم، طبیعت، و... کیفیتی عالی دارد. تنوع نقوش مربوط به اژدها در بدنه کاشیکاری شده مجموعه کاخ گلستان در کنار دیگر نمادهای اسطوره‌ای، مجموعه‌ای ارزشمند را تشکیل داده اند که در کم‌تر بنایی می‌توان یکجا تمام آنها را یافت (تصویر ۲).



تصویر ۱. دیوار شرقی کاخ گلستان که تمام سطوح آن با نقوش متعدد کاشی کاری شده است. (مأخذ: سلیمی موبد)



تصویر ۲. نقوش نمادین اژدها و موضوعات دیگر اساطیری بر روی سطوح کاشی کاری شده در ضلع شمالی کاخ شمس‌العماره. (مأخذ: سلیمی موبد)

نماد هر مفهومی است که آسمان را در ناخودآگاه بیدار می‌کند و در عین حال نماد امنیت، حمایت، جایگاه، موجودات برتر، سرچشمه سعادت و فرزاندگی و غیره است. از خصوصیات دیگر نمادها در هم نفوذ کردن است. هیچ تیغه فلزی آنها را از هم جدا نمی‌کند. همواره ممکن است رابطه‌ای میان این نماد یا آن نماد وجود داشته باشد. در تفکر نمادین چیزی غریب‌تر از انحصاری کردن وضعیت‌ها یا کنار گذاردن «قانون ضدین» نیست. محتوای نمادین چیزی را در بردارد که «یونگ» آن را در «خویشاوندی بنیانی» می‌خواند به عقیده ما این خویشاوندی به شکل‌های گوناگون و شالوده‌های بی‌شمار با امر متعالی در ارتباط است.

تاریخ نماد نشان می‌دهد که هر موضوعی می‌تواند ارزشی نمادین پیدا کند، [گرچه شیء طبیعی باشد (سنگ-ها، فلزات درخشان، گل‌ها، میوه‌ها، حیوانات، چشمه‌ها، رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها، کوه‌ها و دره‌ها، کرات، آتش، صاعقه و غیره)].

نماد، زبان جهانی است. حال باید بیافزایم که نماد بیش از یک زبان جهانی است. زیرا در واقع قابل فهم برای تمام افراد بشر است و از آن جا که از روان آدمی برخاسته است، به زبان‌های گفتاری و نوشتاری ترجمه نمی‌شود.

برخی از ضوابط مذهبی، نمادهای ایمانی نامیده شده اند. این نامگذاری نوعی بیانیه رسمی و فرهنگی است که به برکت آن پیروان یک عقیده، آیین و رهروان یک نحله مذهبی یکدیگر را شناسایی می‌کنند. ستایشگران کوبله و میترا در عهد باستان نمادهایی خاص خود داشتند. همچنین مسیحیان، علاوه بر نمادهای اسقفی برای اصول عقاید مختلف متعلق به آناتولی نمادهایی داشتند. در واقع اگر این دسته از نمادها فقط علامت شناسایی معتقدان و نشانگر حقایق اعتقادی آنها باشد، ارزش ویژه نمادها را ندارد. بدون شک این حقایق حائز نظمی ماورایی هستند و

در بیش‌تر تصاویر موجود، چند نقش در کنار هم به صورت هماهنگ و با رعایت تمام جوانب هنرمندانه درج شده است. در این نقوش همراهی شیر و خورشید، انسان، گل و گیاه طبیعت، آسمان و ابر به نمایش درآمده است. هنرمندان دوره قاجاریه و پهلوی به خوبی از سابقه دیرین این نقوش در ادبیات نمایشی، افسانه‌ها، اساطیر قصص و باورهای عامه ایرانیان از گذشته تاکنون اطلاع کافی داشته‌اند. به همین جهت در طراحی، ترسیم و اجرای نقوش تمام نمادهای اساطیری و خصوصیات نیک و بد آن لحاظ شده‌اند. برای نمونه اژدها علاوه بر ایران در بسیاری از نقاط جهان نظیر چین، هند، بین‌النهرین باستان، یونان باستان، و ... دارای ارزش نمادین است و در هر یک از آنها دارای معانی نمادین بی‌شمار است. از این قبیل نمادها می‌توان به: ابر، آب، استبداد، باران، بت‌پرستی، خشکسالی، دریای اولین دشت حقیقت، راهزن، دریا، ظلم، غارت، قتل، قدرت، گناه، نادانی، و هرج و مرج اشاره کرد (رستگار فسائی، ۱۳۶۵: صفحات متعدد) (تصویر ۳).



تصویر ۳. نقش اژدها (مأخذ: <http://persianpet.org>)

در باورهای عامه مردم اژدها موجودی است که به شکل هیولای افسانه‌ای جلوه نموده و همراه با بال‌هایی بزرگ، بدنی شبیه خزندگان، چنگال‌های بلند و تیز، پوزه‌ای قوی، چند شاخ در سر، سر کاکل‌دار، و دهان بزرگ که همواره آتش از آن بیرون می‌زند متصور است. در اساطیر چین اژدها دارای صور متعددی با معانی نمادین آب، ابر،

پادشاهی زمین، سلطه، و قدرت است (جی سی، ۱۳۵۳: ۱۷۷). بخاری که از دهان اژدها در قصه‌ها بیرون می‌آید گاه پاک‌کننده ماده اولیه، زداینده بوهای ناخوش و از بین برنده سیاهی ماده اولیه است. بنابراین موجب تعالی، تطهیر، و معنویت است (ستاری، آبان ۱۳۵۱: ۷۳) در مصر باستان اژدها رمز طغیان‌های بزرگ رود نیل است و سود و زیان آن طغیان‌ها را که بارورکننده یا ویران‌کننده‌اند نشان داده است. از این رو غالباً هم با خداوند «ازیریس» و هم با الهه «هاتر» همانند می‌شده و گاه نیز از لحاظ خیر و برکتی که داشته‌اند با «ازیریس» و به سبب ویران‌کاری‌اش با «ست» دشمن «ازیریس» یکی می‌شده است (ستاری، تیر ۱۳۵۱: ۳۷) در این میان دیگر اقوام جهان شخصیت‌های افسانه‌ای نظیر: آپ، تیامت، کراکن، لدون، لوسیفر، لویاتان، وریتر، هیدرا، و... برای اژدها مجسم کرده‌اند.

علاوه بر خصوصیات فوق، چهار صورت سودمند یعنی اژدهای کیهانی، اژدهای الهی، اژدهای زمینی و اژدهای گنج‌های پنهان برای اژدها ذکر می‌شود.

اژدها در اساطیر کهن ایران نیز ریشه‌ای دیرین دارد چنان‌که در اوستا ذکر شده است: اژدها در نهایت پلشتی و زشت‌روی از نخستین یاران اهریمن است که آفرینش نیکویی اورمزد را آشفته می‌نمایند ولی توانایی تباہ آن را ندارند (یشت ۵، بندهای ۲۹-۳۱ و ۴۱-۴۳ و نیز یشت ۱۵، بندهای ۱۹-۲۱) بر اساس ادبیات اوستایی، هنگامی که اورمزد سرزمین نیک خویش (ایرانویج) را می‌آفریند، آنگاه اهریمن همه تن مرگ برای تباہی آن اژدهایی (اژدهای سرخ) را در رود «دائیتی» پدید می‌آورد (وندیداد ۱، بند های ۲-۴). از سوی دیگر هم ایزد با رزم‌افزارهای خود به نبرد با اژدهای زرد بر می‌خیزد تا او را نابود سازد (یسنای ۹، بند ۳۰). علاوه بر آن «اژدهای مخرب که پسر اهریمن بود همراه با سه سر و شش چشم در هزاره دوم بر انسان‌ها حکومت می‌کرد» (رضی، ۱۳۴۶: ۱۷۷). این اژدها همواره با

مادر خود یعنی «ائوتاک» نزدیکی می‌کرد.

فردوسی در بیت «نخواهیم بر گاه، ضحاک را/ مر آن
اژدها دوش ناپاک را» و ده‌ها و بلکه صدها بیت مشابه، در
شاهنامه اژدها را با عنوان «اژی دهاک» ذکر کرده و آن را
ماری که دو مار از شان‌های او بیرون زده معرفی کرده
است. «اژی دهاک» در واقع توسط «اهریمن» آفریده شد تا
مومنان به «اهورامزدا» را نابود کند. در اساطیر ایران، «اژی
دهاک» به شکل ماری ویرانگر که به دوران طلایی
حکومت‌ها خاتمه می‌دهد، ظاهر شده است. «اژی دهاک»
در واقع توسط «اهریمن» «انگرامینو» آفریده شد تا مومنان
به اهورامزدا را نابود کند. در سراسر اساطیر ایران، «اژی
دهاک» به شکل ماری ویرانگر که به دوران طلایی حکومت
«یمه» خاتمه می‌دهد، ظاهر شده است. روایات زیادی در
این زمینه وجود دارد. از آن جمله نقل شده است که پس از
سرنگون کردن «یمه»، «اژی دهاک» با همدستی دیوان هزار
سال حکمفرمایی کرد که حاصل آن بیماری و سرما و مرگ
بود. تا اینکه «فریدون» او را در کوه دماوند به زنجیر کشید.
او پیش از ظهور «گرشاسب» در پایان دنیا، غل و زنجیر را
از خود خواهد گسست و چندی با ترس و وحشت خواهد
زیست و سرانجام به دست «گرشاسب» نابود می‌شود (بهار،
۱۳۶۲: ۱۵۳).

«اژی» از نظر لغوی به معنی «خورشید سوزان» و
«دهاک» به معنی «مرد با زهرخند» است. با ذکر دو جنبه از
صور اژدها در تصور مردم چین و ایران به دوگونه بودن
باور مردم در نمادشناسی اسطوره اژدها پی می‌بریم. این
دوگانگی در تقابل دو فرهنگی بزرگ ایران باستان و چین
دگرگون می‌شود. چنانچه در آن زمان با افزایش نزدیکی
سیاسی و وجود ارتباط تنگاتنگی که میان چین و ایران از
طریق جاده طویل ابریشم برقرار شده بود، باعث شد دیدگاه
ایرانیان در زمان شاهان ساسانی نسبت به اژدها از حالت
شر و بدی به تصور دوگانه یعنی نیمی شر و نیمی نیک-

پنداری و قدرت و پادشاهی تغییر یابد. باور نیکی درباره
آن، روز به روز قدرت گرفت تا آنجا که در نقوش موجود
بر روی لباس خسرو پرویز شاهد نفوذ فراوان این پندار
هستیم. زیرا در ایران قبل از آن، اژدها را پلید و کثیف
تصور می‌کردند. بنابراین از ترسیم و نقاشی آن در هر شکل
و مکان ترس و واهمه داشتند. این کار را فقط افرادی که با
جادو و سحر ارتباط داشتند مرتکب می‌شدند. خسرو پرویز
پس از کشته شدن پدرش هرمزد در سال ۵۹۰ میلادی، بر
تخت شاهی نشست. در این زمان ارتباط نزدیک بازرگانان
و سیاستمداران ایرانی با شاهان سلسله «هان» باعث
تغییراتی در این تصور شد. در این دوره چینیان باور داشتند
که اژدها نماد امپراتوری است (تصویر ۴).



تصویر ۴. تصویر چین شی هوان- بنیادگذار نظام تمرکز قدرت دولت مرکزی
(مأخذ: وبلاگ عهد باستان)

هنرمندان ایرانی در ابتدا با پیروی از افکار عامه مردم
چین سعی کردند برای رفع پلیدی اژدها در نقوش حک-
شده اولیه دم طاووس را به تن اژدها الحاق کرده و جنبه
نیکی به آن بدهند. در میان نقوش بعدی شکل اژدها تکامل
یافت و تا آنجا پیش رفت که با شیر و خورشید هم نقش

شد. در نقوش کاخ گلستان چند نقش مربوط به اژدها و خورشید و شیر آمده است که بر گرفته از اساطیر کهن ایرانی است. نزاع شیر و اژدها به نوعی می‌تواند تقابل دو قدرت برتر بوده باشد و نمادی از تمدن ایران و چین است. نماد شیر و اژدها در بسیاری از سطوح کاشیکاری شده کاخ گلستان در ابعاد و اندازه‌های مختلف کار شده و پیرامون آنها را علاوه بر گل و بلبل، نقوش رایج در بناهای مذهبی هم فرا گرفته است. از جمله این نقوش گره چینی و معقلی بیش از همه نمایان است. از این گونه نقوش در ضلع شمالی کاخ به کرات دیده می‌شود (تصویر ۵).



تصویر ۵. بکارگیری نقش‌های نمادین اساطیری و اسلامی در کنار هم در بدنه تالار نگارخانه. (مأخذ: سلیمی مویده).

اژدها در ادبیات داستانی و شعر ایرانی تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است، برخی از شاعران نظیر مولوی آن را نماد نفس اماره تلقی کرده‌اند و بسیاری دیگر به او قدرت لایتنهایی بخشیده‌اند و اشعار فراوانی در این باره سروده‌اند. تصورات مذکور و باورهای دیگر درباره اژدها در جای-جای کاخ گلستان با تصاویر عالی و بی‌نظیر به عرضه نمایش گذاشته شده‌اند و بهترین محل نمایش و نمود آن کاشی‌های دارای رنگ‌بندی و رنگ‌آمیزی عالی و متنوع هستند. اژدها در تعبیرات عامیانه دارای رمز و رازهای فراوانی است و این رموز به نحو شایسته‌ای در میان نقوش موجود در کاخ گلستان به تصویر کشیده و هر یک از کتیبه‌ها و طاق‌نماهایی که نقش اژدها و شیروخورشید آمده

به نیروهای جادویی و قدرت هر دو موجود اشاره شده است. نقاشان و طراحان نقوش در این مجموعه در ارائه هنر خود نمادهای گوناگونی از نمادها ارائه داده‌اند. [از جمله] نقوشی که به عنوان نمادی از خیر و برکت محسوب می‌شوند تا شاه و اطرافیان او مظهر قدرت قلمداد کنند. این قبیل نقوش که بنیان‌های اولیه آن در دوره صفویه نهاده شده، هنرمندان بسیاری را به سوی خود جلب و جذب کرد. برای مثال هنرمندان دوره صفویه تا آنجا پیش رفتند که با نقاشی اژدها به حالت کرم، نوعی رنگ و بوی روحانیت و تقدس به او داده و اژدها را نمادی از امور دینی، روحی، معنوی و مصداق پاکی قلمداد کردند.

با تمام این تفاسیر، تصاویر اژدها در مجموعه کاخ‌موزه گلستان پیوند عمیق انسان و اسطوره را با مفاهیم نمادینی بازگو می‌کند.

نبرد شیر و اژدها

نبرد شیر و اژدها از دیگر نقوش اساطیری مجموعه کاخ گلستان به شمار می‌رود. شیر و اژدها دو موجود افسانه‌ای با قدرتی جادویی و فوق‌العاده، همواره به شیوه‌های مختلف در فرهنگ ایران زمین به ایفای نقش پرداخته‌اند و از لحاظ تاریخی دارای سابقه‌ای بسیار طولانی هستند. در اساطیر کهن یعنی دوره کیانیان افسانه کاوه آهنگر حکایت دیگری از نشان شیروخورشید را به همراه دارد. کاوه آهنگر با نقش کردن شیروخورشید بر درفش کایانی توانست پادشاه ستمگری چون «اژی دهاک» را نابود سازد (سلیمی مویده، ۱۳۸۰: ۱۸۶). باید توجه داشت که کورش با «آستیاک» جنگیده بوده است. به احتمال زیاد نام‌های «آستیاک» که در ارمنستان او را «آشدهاک» (âšdahâk) می‌گفتند با نام مشابه «اژی دهاک» در اوستا یکی قلمداد شده و این شباهت اسامی موجب ایجاد تنفر و بدخواهی عمومی در آن دوران نسبت به «اژی دهاک» شده است

هر یک آنها با خصوصیات خاص در فرهنگ و باورهای مردم دارای رمز و رازهایی عجیب و شنیذنی هستند. در تصور عامه اژدها را موجودی افسانه‌ای قلمداد می‌کنند که باران را از دریا جمع‌آوری نموده و به شکل ابر سیاه در می‌آورد، سپس ابرها را به حرکت درآورده و در زمین‌های خشک و بی‌آب فرو می‌ریزد. به غیر از ایران در دیگر کشورهای شرقی اژدها از اهمیت اعتبار ویژه برخوردار بوده است و گاه تا حد پرستش هم اعتبار داشته است. برای نمونه در دین ابتدایی چین که از ادیان سایر اقوام ابتدایی متفاوت نیست. آنان در کنار پرستش باد، رعد، درخت، کوه، و مار به پرستش اژدها نیز می‌پرداخته‌اند (دورانت، ۱۳۷۶: ۸۴۸-۸۴۹). به اعتقاد «کنفوسیوس» اژدها سوار بر باد از میان ابرها به آسمان می‌رود (دورانت، ۱۳۷۶: ۷۳۴).

اگر چه تصویرنگاری و مفهوم موجودپنداری اژدها منحصر به چین یا ایران باستان نبوده است، بلکه چنین موجودی در فرهنگ‌های بین‌النهرین نیز سابقه دارد. قدیمی‌ترین شکل اژدها که در دوره اسلامی نیز رواج یافت در نقاشی‌های دیواری «سغد» متعلق به سده هفتم تا هشتم میلادی دیده می‌شود که اقتباسی از شکل‌نگاشتی چینی دارد. در افسانه‌پردازی سراسر جهان به جز چین، اژدها نماد پلیدی و ناپاکی است. بنابراین برای اینکه جهان بماند باید اژدها نابود شود. این مفهوم اساطیری اژدها به عنوان نیروی اصلی اهریمن و به گونه‌ای دشمن آفرینش، در دین‌ها و ادبیات گوناگون پیدا شده است. ضحاک در هندوستان الهه قهرمان «ایندرا» بود که «ورثرغن» (اژدهاکش) نام داشت. در یونان باستان می‌بینیم که «زنوس» خدای برین، «تیفون» را می‌کشد و «آپولو» اژدهای زمین «پیتون» را در افسانه یونانی «کادموس» و «برسیوس» با اژدها نبرد می‌کنند (رستگار فسایی، ۱۳۶۵: ۹). در اساطیر آشور و بابل «مردوک» را

عموماً مسلح به شمشیر تصویر کرده‌اند که اژدهای بالدار را بر زمین می‌افکند، این خود نمونه‌ای از پیروزی وی بر «تیامت» محسوب می‌شده است (ژیران، ۱۳۸۲: ۷۱-۷۲). در برخی منابع اژدها کنایه از ضحاک بوده و «اژدی هاک» یا «دهاق» و او را «بیوراسب» یعنی دارنده ده هزار اسب گفته‌اند. به موجب افسانه‌ای ضحاک در بابل پرورش یافته و جادویی آموخت. دو مار در دوش او بوده و درد می‌کرد. برای تسکین آن دو، خوردن مغز انسان ضرورت داشت. سرانجام دو نفر آشپزی که مردمان را به مارها می‌دادند یکی را با گوسفندی عوض می‌کردند تا دویست تن را بدین طریق از مرگ نجات دادند. گویند «کردان» امروز از نژاد آن ره‌اشدگان آنها هستند (مصفی، ۱۳۸۲: ۱۲۶-۱۲۷). باورهای بسیاری از این دست در بین مردم وجود داشت و با توجه به شرایط محیطی، اقلیمی، سیاسی و اجتماعی برخی از آنها به مرور دچار تغییر و تحول می‌شدند. بنا بر همین با حمله مغولان به ایران و انتقال فرهنگ چینی توسط مغولان، ترسیم اژدها معمول شد و نگارگری ایرانی با بهره‌گیری از اژدهای چینی اقدام به ترسیم اژدها بر روی کاشی‌ها و نگاره‌ها پرداختند. برخی از کاشی‌های طلایی دوره ایلخانی به دست آمده از تخت سلیمان در جنوب آذربایجان دارای نقوش برجسته زیر لعاب لاجوردی و یا آبی فیروزه‌ای هستند که روی لعاب با خطوط نازک سفید و قهوه‌ای و سیاه طراحی شده و سپس تمام قسمت‌های برجسته را با طلا پوشانیده‌اند. نقوش روی این کاشی‌ها اغلب حیواناتی مانند: شیر، غزال، اژدها، و سیمرغ (به تقلید از موتیف‌های چینی) در میان شاخ و برگ بوده‌اند (نفیسی، ۱۳۴۵: ۴۴). بنابراین حداقل از دوره ایلخانی به این سو کاشی در بناهای غیر مذهبی نظیر تخت سلیمان و همچنین در قرن نهم در عهد تیموریان، نقش اژدها که در عهد سلجوقیان بسیاری بر روی سنگ کنده می‌شد، یک نقش کاملاً عمومی می‌شود (ورجواند، ۱۳۵۱: ۱۴) که این

روند بیش از پیش در بناهای غیر مذهبی دوره صفویه و به‌ویژه زندیه دیده می‌شود. ولی هنرمندان کاشیکار دوره قاجاریه با تغییراتی در طراحی و اجرا در آثار خود گونه‌ای مبارزه و جنگیدن با شیر برای اژدها پدید آورده‌اند. این آثار به گونه‌ای نبرد شیر با اژدها را نشان می‌دهد. در غالب این آثار شیر تنومند و بزرگ‌جثه‌ای ترسیم شده است که قسمتی از بدن اژدها را در میان آرواره‌های قوی خود می‌فشارد. در حالی که اژدها دور بدن او حلقه زده است.

در «سنگسر» می‌گویند در زیر کوه دماوند اژدهایی جای گرفته است. کوه دماوند که از حرارت نفس اژدها در رنج بوده به خداوند پناه می‌برد و می‌گوید: «چه گناهی کرده‌ام که اژدها را در درون من جا داده‌ای که چنین مرا آزار دهد». خدا را دل به رحم آمده می‌گوید: «انده به خود راه مده کاری می‌کنم که پیوسته بدنت از برف پر شده باشد تا گرمای درون را بی اثر سازد. ابر را نیز مأمور می‌کنم که پیوسته بر تو سایه افکند» و چنین می‌شود و دماوند از سوز درون رهایی می‌یابد (اعظمی سنگسری، ۱۳۴۹: ۴۹-۵۰). در باور دیگری که امروزه در نقاط مختلف رواج دارد، نقل شده است که حضرت علی^(ع) به اژدهایی که در آسمان‌ها پرسه می‌زند دستور می‌دهد تا باران رحمت و خیر را جاری کرده و به جای‌جای دنیا سرازیر نماید. اژدها نیز اطاعت امر نموده به ابرها حکم می‌کند. ولی ابرهای سرکش و نافرمان بهایی به دستور اژدها نمی‌دهند. اژدها نیز برای به حرکت در آوردن ابرها، آنها را با شلاق خود می‌زند. شدت ضربه بسیار زیاد است. گاه ابر را به دو نیمه تقسیم می‌کند. با فرود آمدن هر ضربه، برقی از آن می‌جهد و ما شاهد رعد و برق می‌شویم. ابرها به حرکت درمی‌آیند، ولی آرام آرام می‌روند. هر وقت اژدها ابرها را می‌زند، باران می‌بارد. هر جا که شلاق محکم زده شود، آب بیش‌تری از ابرها به صورت باران به زمین می‌آید و همین باعث می‌شود تا در بعضی نقاط شاهد تگرگ و سیل و باران شدید

باشیم و در بعضی نقاط شاهد خشکسالی و بی‌آبی باشیم. علاوه بر آن اژدها نماد حافظت از گنج‌های پنهان زیرزمینی تلقی می‌شود و همواره بر روی حجم انبوهی از خزاین، جواهرات و رز و سیم می‌آرمد. خوش‌ترین وقت اژدها، خواب بر روی جواهرات زیرزمینی است. محل زندگی او علاوه بر زیرزمین بر روی ابرها، دریاها، و آسمان است. تصورات فوق و باورهای دیگر درباره اژدها در جای کاخ گلستان با تصاویر عالی و بی‌نظیر به عرصه نمایش گذاشته شده‌اند و بهترین محل نمایش آن کاشی‌هایی با رنگ‌بندی و رنگ آمیزی عالی و متنوع است. در نظر بسیاری از مردم اژدها دارنده و صاحب اصلی گنج‌ها و دفینه‌ها به شمار می‌رود و حفاظت از آنها را بر عهده دارد و هر از چند گاهی به افراد محتاج، خیرخواه یا شجاع اندکی می‌بخشد. در بناهای پیش از دوره قاجار معمولاً اشکال اژدها، ترکیبی نقش شده است. در این ترکیب‌بندی‌ها دم اژدها همانند دم مار، پنجه‌ها مثل پنجه شیر، شاخی شبیه به شاخ گوزن، چشمانی مانند چشم میگو، و پوستی آن نظیر پوست ماهی است. موارد ذکرشده تقریباً در غالب تصاویر و نقوش موجود مشترک است. این تلفیق و هنرنمایی همراه با زیبایی و جذابیت خاصی در کاخ گلستان نقش شده و نقوش اژدها در اشکال مختلف، اندازه‌های گوناگون، و زمینه‌های متنوع و متعدد پیاده شده‌اند. بیش‌تر این تصاویر شامل نوعی نقش اژدها و شیر است که اژدهایی به گردن شیر قوی پنجه حلقه زده و سعی دارد شیر را به هلاکت برساند (تصویر ۶). اژدها در تعبیرات عامیانه دارای رمز و رازهای فراوانی است و این رموز به نحوه شایسته‌ای در میان نقوش موجود در کاخ گلستان به تصویر کشیده شده است و هر یک از کتیبه‌ها و طاق‌نماهایی که نقش اژدها و شیر و خورشید آمده در پیرامون آن به نیروهای جادویی و قدرت هر دو موجود اشاره شده است. پیچ فراوان در بدن اژدها حکایت از نرمش و انعطاف‌پذیری او دارد. پس او به

خوبی می‌تواند با حریران و رقیبان خود نبرد کرده و پیروز شود. نقش دربرگیرنده خصوصیتی است که هر یک از اعضای آن را به حیوان یا جانوری خیالی و واقعی منسوب می‌کند (رستگار فسائی، ۱۳۶۵: صفحات متعدد).



تصویر ۶. بخش شمالی کاخ نمایی از نقش ازاره بالایی موزه مخصوص.

(مأخذ: سلیمی موید)

با نگاهی به نقوش موجود در کاخ گلستان این ارتباط تنگاتنگ بیش از همه احساس می‌شود. این خصوصیات شامل بدنی نیرومند، چنگالی تیز و پنجه‌ای توانمند است همانند پنجه شیر، چشمان بزرگ و میگوگونه، شاخ‌های چندگانه شبیه شاخ گوزن، دم بزرگ و تنومند. پوست ماهی‌گونه‌اش بیش‌تر شبیه پوست ماهی قنات است و گویی هر دو از یک جنس و فلس هستند. تصاویری از این قبیل و یا شبیه به آن با بهره‌گیری از هنر قرینه‌سازی در بیش‌تر سطوح دیوارهای کاخ گلستان تکرار شده است. یکی از نمونه‌های جالب توجه مربوط به تالار آینه است. این تصویر داخل یک قاب مدور قرار دارد و حاشیه قاب با نقوش اسلیمی پر شده است. داخل قاب نیز نزاع شیر و اژدهایی نقش شده است. تفاوت این نقش با دیگر نقوش شیر و اژدها در نوع پوست اژدهاست. در این تصویر پوست اژدها همانند پوست پلنگ است و پیچ و تاب بدن اژدها بسیار نرم و دارای عضلاتی محکم است که حاکی از قدرت بالای او دارد (تصویر ۷). در میان حجم انبوه نقوش متنوع کاشی‌ها وجود نقوش اژدها در این مجموعه نشان از

تحولات فرهنگی دوره‌های مختلف دارد. چنانچه با روند شهرنشینی و یا افزایش روابط فرهنگی، سیاسی و نظامی با دولت‌های غربی و ورود آنها به ایران و به‌خصوص کاخ‌های سلطنتی، این بناها دچار تحول و تغییر شده‌اند. این تأثیرپذیری هنرمندان به قدری زیاد است که نقوش موجود دچار دگرگونی زیادی شده‌اند. به طوری که قبل از آمدن اروپاییان به ایران، نقوش اژدها با چهره‌های خشمناک و ظاهری جادویی نقش شده‌اند ولی با ورود مسیونرها اندک‌اندک نقوش نرم‌تر شده است و این تغییر تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که در نهایت اژدها در بین پیچ و تاب نقوش اسلیمی ماری محو و به آرامی مسخ گل‌های زمینه شده است و با پیچ و تاب فراوان در نهایت تبدیل به نقوش اسلیمی شده است. اژدها چنان غرق زیبایی گل شده که به جای آتش از دهان او جوانه‌های اسلیمی بیرون جهیده است و این کمال هنر این دوره است. بر همین اساس در داخل یکی از رواق‌های بخش شرقی مجموعه کاخ گلستان، نقش اژدهایی به چشم می‌خورد که در نوع خود بی‌نظیر و جالب است (تصویر ۸). در بخش میانی طاق‌نما گلدانی همراه با شاخه‌های گل و پرندۀ شانه‌به‌سر دیده می‌شود. بخش زیرین طاق‌نما به نقوش اسلیمی پر شده است. این نقوش به شکل زیبایی قرینه‌سازی شده و در نقطه‌ای که خطوط اسلیمی به اوج می‌رسد، هنرمند طراح با مهارت سر اژدها را بر آن نقش کرده^۱ و در نهایت ذوق جوانه‌هایی از گل و بوته در دهان اژدها قرار داده تا جای آتش را بگیرند. اژدها از آنجا که نماد پلیدی و شر بوده در باورهای عامه او را بلعنده ماه و خورشید تلقی می‌کردند (شاملو، ۱۳۵۷: ۵۴۱) و بر این باور بودند که اژدها آب را از بارور کردن باز می‌دارد و می‌خواهد خورشید و ماه را فرو برد. در همین خصوص نظامی در شعری آورده: «گر چه گهر گرانها بود/ چون مه به دهان اژدها بود».

و طرح اژدها به قدری جذب نقش اسلیمی شده که خود تشکیل‌دهنده یکی از شاخه‌های اسلیمی شده و سرشاخه اسلیمی همانند سر اژدها شده و پیچ و تاب موجود بدن اژدها رونقی مضاعف به زیبایی طرح اسلیمی داده و باعث شده هر دو نقش در همدیگر آمیخته شوند و توان جداسازی آنها از همدیگر مشکل نماید. این گونه نقوش بیش از همه در قاب‌های شرقی دیواره داخلی کاخ گلستان خودنمایی می‌کند. این نقوش به قدری با طرح اصلی زمینه هماهنگی دارند که به آسانی قابل تمیز از هم نیستند. نقوش زیادی از این قبیل در بخش‌های دیگر مجموعه کاخ گلستان و مخصوصاً در سطوح خارجی دیوارهای طبقه دوم کاخ شمس‌العماره در ضلع شرقی کاخ مشاهده می‌شوند. و همین امر باعث می‌شود که گاهی فکر کنیم اسلیمی از پیچ و تاب اژدها به وجود آمده است (تصویر ۱۱). نقش دیگری که در طاق‌نمای ورودی عمارت بادگیر طراحی و اجرا شده مربوط به نوعی اسلیمی است که در واقع تمثیل به اژدها و برگرفته از آن می‌باشد. در این تصویر، اسلیمی در بخش بیرونی زوایدی دارد که همانند تیغ‌های پشت اژدهاست که کم‌کم در حال تبدیل شدن به نوعی معقلی در حواشی آن است (تصویر ۱۲). نگاهی بر اساس تصاویر به تغییرات ایجادشده در نقوش نمادین اژدها که باعث شده به مرور آن موجود افسانه‌ای و خشن در بین گل و بلبل محو شده و بخشی از زیبایی هنر معماری ایران گردد. در سردر نگارخانه اژدها با چهره و پوستی خشن نقش شده است که نشان می‌دهد شیر و اژدها هر دو با جدیت و قدرت تمام به سوی همدیگر حمله‌ور شده‌اند و سعی دارند در نبردی جانانه همدیگر را شکست بدهند. در این تصویر آرواره‌های اژدها در حالتی قرار دارد که که فرو رفتن دندانهایش را در پشت شیر به خاطر بیننده می‌آورد. از سویی هم شیر در این نبرد دست به اقدام زده و اژدها را به زیر افکنده و علاوه بر اینکه با پنجه قوی خود



تصویر ۷. استفاده از قرینه کاری در سر درهای بدنه شمالی در نمای تالارهای اصلی. (مأخذ: سلیمی موید).

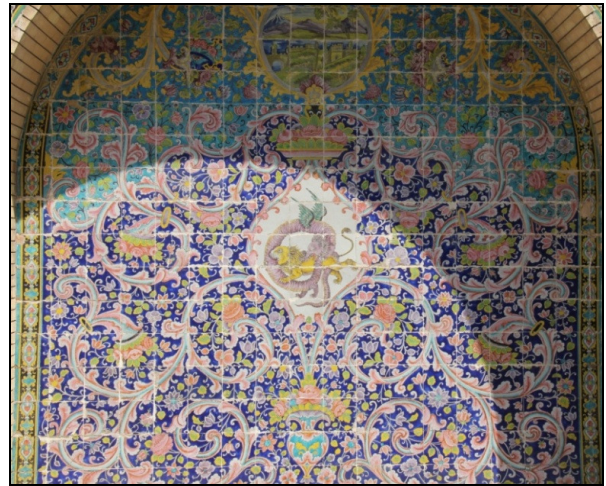


تصویر ۸. دیواره طبقه دوم کاخ شمس‌العماره. (مأخذ: سلیمی موید)

برخی هنرمندان دوره قاجاریه برای کاستن از نحوست اژدها، پیرامون نقش اژدها را با ترسیم اسلیمی‌های متنوع و زیبا در قاب‌های بیضی، مدور و دیگر اشکال هندسی مزین کردند. از این نمونه در ازاره شرقی کاخ گلستان می‌توان نمونه‌هایی دید (تصویر ۹). در برخی از تصاویر به خصوص در دیواره جنوبی کاخ قبل از اینکه به کاخ ابیض برسیم شیر و اژدها همراه با هم تکرار شده و گل و بوته و به‌خصوص اسلیمی ماری آنها را احاطه کرده است (تصویر ۱۰). در بعضی نقوش اژدها مسخ نقش اسلیمی شده است



تصویر ۱۱. دیواره طبقه دوم کاخ شمس العماره. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۹. ازاره شرقی قبل از شمس العماره و نقش شیر و اژدها در بین اسلیمی ها. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۰. دیواره جنوبی کاخ قبل از کاخ ابیض. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۵. ازاره عمارت حوضخانه. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۲. طاق نمای ورودی به عمارد بادگیر. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۶. بدنه دیوار شمالی کاخ گلستان بین عمارت حوضخانه و تالار ظروف. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۳. قسمت فوقانی عمارت برلیان. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۷. دیواره شرقی قبل از کاخ شمس العماره. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۴. ازاره عمارت حوضخانه. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۲۱. بخش شمالی کاخ نمایی از نقش ازاره بالایی موزه مخصوص. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۸. بدنه مابین نگارخانه و موزه مخصوص. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۲۲. ضلع شرقی کاخ و بدنه دیوار غربی کاخ شمس العماره در طبقه اول. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۱۹. دیواره سر درهای بدنه شمالی در نمای تالارهای اصلی. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۲۳. طاقنمای ورودی عمارت بادگیر در جنوب شرقی کاخ گلستان. (مأخذ: سلیمی موید).



تصویر ۲۰. ازاره های بین تالارهای اصلی و عمارت حوض خانه. (مأخذ: سلیمی موید).

اژدها را زمین گیر کرده و همانند نقوش ضلع شمالی کاخ، سعی در این دارد که تن او را از هم بدرد (تصویر ۱۳). وفور نقوش متعدد و تکرار نقوش به ما این امکان را می‌دهد تا تحلیل و بررسی دقیقی به دست دهیم. برای نمونه در سردر تالار مخصوص کاخ گلستان بال‌هایی به اژدها افزوده شده ولی همچنان چهره‌ای خشن و دندان‌هایی تیز دارد (تصویر ۱۴). همچنین در تصویر دیگری در سردر تالار مخصوص تصاویری دیده می‌شود که اندکی از خشونت اژدها در نبرد با شیر کاسته شده و تیزی در دندان‌ها و چنگال دیده نمی‌شود (تصویر ۱۵). در قاب دیگری که در سردر نگارخانه قرار دارد، مقدار زیادی از خشونت اژدها کاسته شده و پوست تن او رو به نرمی رفته و دندان و چنگال هم حذف شده است (تصویر ۱۶). در بدنه و سطوح خارجی کاخ برلیان اگرچه نبرد شیر و اژدها جانانه است ولی تغییرات زیادی در شکل ظاهری آنها پدید آمده و به راحتی قابل مشاهده است. در این تصویر اگرچه خشونت دیده می‌شود ولی پوست اژدها همانند کرم نرم شده و کار شیر را راحت کرده و آرایش در چهره هر دو به کار رفته است (تصویر ۱۷). در نمای حوضخانه اژدها فاقد خشونت شده و حتی تزییناتی در بدن او نقش شده که به مرور همین تزیینات تبدیل به گل شده اند (تصویر ۱۸). در بخش دیگری از نمای حوضخانه نبرد شیر و اژدها بیش‌تر به بازی می‌ماند تا جنگ بین دو جانور. در این بخش رنگ‌های بدن اژدها رو به روشنی رفته و به راحتی می‌توان تزیینات و لطافت را در گونه‌ها و بدن او مشاهده کرد (تصویر ۱۹). پس از آن در تالار اصلی نقوش روی بدن اژدها بیش‌تر شده و هنرمند طراح در طراحی اژدها از رنگ‌های روشن بهره گرفته است (تصویر ۲۰). در بدنه تالار اصلی، نقوش روی بدن اژدها بیش از پیش شده و هنرمند طراح در طراحی اژدها از تعدد رنگ‌های روشن و شاد بهره گرفته است (تصویر ۲۱). در

سطوح کاشی‌های ضلع غربی کاخ شمس‌العماره اژدها در بین نقوش و پیچ و تاب اسلیمی گم شده و خود بخشی از آن به شمار می‌رود. در این نقوش تنها سر اژدها باقی مانده و پیچ تاب بدن او به اسلیمی مبدل شده و هنرمند طراح، رنگ‌های مورد نظر خود را به شکل گل درآورده و به جای چنگال اژدها نیر سر بلبل را طراحی کرده است (تصویر ۲۲). علاوه بر آن در سر در ورودی به حیاط بادگیر از اژدها تنها پیچ تاب بدن او باقی مانده و دهان او بخشی از اسلیمی شده و تنها فرم آن شبیه به دهان اژدهاست و به ظاهر آن‌قدر در اسلیمی غرق شده که ما امروزه تنها نوک اسلیمی را به نام زبان اژدری می‌شناسیم و از اژدها خبری نیست (تصویر ۲۳).

نتیجه‌گیری

گستره مفاهیم نماد و انتقال مفاهیم از طریق نمادها و نشانه‌ها در حوزه مطالعات انسان‌شناسی برای نمایاندن بخشی از فرهنگ از اهمیت خاصی برخوردار است. این پژوهش کوشیده با بررسی نشانه‌های اژدها در سطوح کاشی‌های کاخ و موزه گلستان تهران، مفاهیم نمادینی که ریشه در فرهنگ غنی ایرانی دارد، بررسی کند. نقوش نمادین کاشی‌ها سیر تطور فرهنگ ایرانی را بازگو می‌کند. از جمله می‌توان به نقش نمادین خورشید و شیر و اژدها در ادوار مختلف تاریخی اشاره کرد. مقایسه نمادین این نقوش در فرهنگ ایرانی و چینی و دیگر ملل شرقی - که نماد را به یک زبان جهانی تبدیل می‌کند - وظیفه جستجوگر در انکشاف آن را مشخص می‌کند. در نمادشناسی اساطیری ایران رابطه تنگاتنگی میان نمادگر و نمادین‌شده وجود دارد که شالوده نظریه‌های نمادشناسی است. در این خصوص می‌توان به مفاهیم نمادین مختلفی اشاره کرد که نمادهای فوق در فرهنگ ایرانی بدان شناخته می‌شوند. گاه اسطوره‌ها در جایگاه نمادهایی قرار می‌گیرند

و با انتقال مفاهیم و معنا به مخاطبان تاریخ، فرهنگ ایرانی را رمزگشایی می‌کنند. نقوش نمادین اژدها که در سطوح کاشی‌های مجموعه کاخ موزه گلستان تهران حک شده است در ادوار مختلف نمادهای داشته است. بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های نمادها این است که علاوه بر خوردار بودن از «ادبیات جهانی» از «ادبیات زمانی» نیز برخوردار اند و مفاهیم آنها در ادوار مختلف متفاوت است. این موضوع در نقوش کاشی‌ها به تغییراتی اشاره می‌کند و آن این است که در ادوار صفویه و قاجاریه ادبیات خاصی در نقش نماد ایجاد می‌شود و نمادها مفاهیم پیشین خود را از دست می‌دهند و تغییراتی در ظاهر، پوشش، رنگ، شکل، ماهیت، و اندازه نمادها ایجاد می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های نماد نظام تحلیلی آنها است. مخاطبان با ارزیابی ذهنی هر یک از آنها به نتایجی دست می‌یابند نمادهای موجود در کاشی‌های کاخ گلستان مجموعه‌ای از مفاهیم را به مخاطبان ارائه می‌دهند که برگرفته از عناصر فرهنگی جامعه در ادوار مختلف تاریخی است. به عنوان مثال با گذشت زمان اژدهای ترسیم شده رنگ و بوی ایرانی به خود می‌گیرد. در مقابل هم نقوش فرشته‌ها و پریان و حتی صورت شیر به چهره‌های اروپایی و غربی گرایش پیدا می‌کنند و در آنها ابروها نازک و چهره سفید می‌شود. نقوش مربوط به اژدها، شیر، خورشید، فرشته‌ها و موارد متعدد دیگر در نقوش کاشی‌های دوران قاجاریه در مجموعه کاخ موزه گلستان تهران به خوبی گویای این موضوع است. بنابراین نمادها از ادبیات زمانی برخوردار بوده و بسته به شرایط حاکم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحول می‌شوند و این تغییر اجتناب‌ناپذیر است.

پانویس:

۱. این نقوش در میان دیگر نقوش اسلیمی به دهان اژدری معروف هستند.

منابع:

- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۹)، *تاریخ اساطیری ایران*، انتشارات سمت، تهران.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (خرداد ۱۳۴۹) مقاله «باورهای عامیانه مردم سنگسر» مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۹۲، تهران، صص ۵۵ تا ۴۷.
- بهار، مهرداد، (۱۳۶۲)، *پژوهشی در اساطیر ایرانی*، تهران.
- جی سی، کویاجی، (۱۳۵۳)، *آئین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران.
- دنیه‌سن، آنه‌ماری، (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه مظفر قهرمان، نشر پرسش، تهران.
- دورانت، ویل، (۱۳۷۶)، *تاریخ و تمدن (مشرق‌زمین گاهواره تمدن)*، ترجمه احمد آرام و ع. پاشائی و امیرحسین آریانپور، ج ۱، چ ۵، تهران.
- رابرت وای لو، فرانک، (۱۳۷۸)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه علیرضا قبادی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- رستگار فسائی، منصور، (۱۳۶۵)، *اژدها در اساطیر ایرانی*، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- رضی، هاشم، (۱۳۴۶)، *فرهنگ نام‌های اوستا*، با مقدمه‌هایی از: شجاع‌الدین شفا و پروفیسور رامپیس و پروفیسور لنتس، انتشارات فروهر، تهران.
- ژیران، فلیکس، (۱۳۸۲)، *اساطیر آشور و بابل*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چ ۲، انتشارات کاروان، تهران.
- ستاری، جلال، (۱۳۷۶)، *اسطوره در جهان امروز*، نشر مرکز، تهران.
- ستاری، جلال (تیر ۱۳۵۱) مقاله «رموز قصه از دیدگاه روانشناسی (۱۴)»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۱۷، تهران، صص ۳۹ تا ۳۶.
- ستاری، جلال (آبان ۱۳۵۱) مقاله «رموز قصه از دیدگاه روانشناسی (۱۸)»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۱، تهران، صص ۷۴ تا ۷۳.
- سلیمی موید، سلیم و فرزانه خانلرخانی، (۱۳۸۰)، «نگاهی

- تحلیلی به نقوش کاشیکاری مجموعه کاخ گلستان»، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، تهران.
- شاملو، احمد، (۱۳۵۷)، کتاب کوچک، ج ۲. انتشارات مازیار، تهران.
- شوالیه، ژان و آلن گربران، (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، ج ۱. انتشارات کیهان، تهران.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه و نظریات انسان-شناسی، نشر نی، تهران.
- کویاجی، جی سی، (۱۳۷۸)، ماندگی اسطوره‌های ایران و چین، ترجمه کوشیار کریم طاری، انتشارات نسل نواندیش، تهران.
- مصفی، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، فرهنگ اساطیری و تاریخی (از کیومرث تا اسکندر با شواهدی از شاهنامه فردوسی)، انتشارات اشتیاق، تهران.
- نرسیانس، امیلیا، (۱۳۸۵)، انسان، نشانه، فرهنگ، انتشارات افکار، تهران.
- نفیسی، نوشین (فروردین ۱۳۴۵) مقاله «آثار جالب توجهی از کاشی سازی ایران در دوره ایلیخانی»، مجله هنر و مردم، دوره ۴، شماره ۴۱ و ۴۲، تهران، صص ۴۳ تا ۴۷.
- ورجاوند، پرویز (اردیبهشت ۱۳۵۱) مقاله «سیری در هنر ایران و دیگر سرزمین های اسلامی (۳)»، مجله هنر و مردم، دوره ۱۰، شماره ۱۱۵، تهران، صص ۱۳ تا ۱۸.